

الحمد لله رب العالمين

تدبیر ماہ

نماندگی ولی فقہ در سپاہ

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

نام نشریه:

تنظیم و نشر:

نوبت چاپ:

شماره:

تاریخ چاپ:

شمارگان:

چاپ:

تدبیر ماه

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

اول

(آبان و آذر ۹۳) ۹۱

دی ۱۳۹۳

۳۰۰۰ نسخه

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر آموزشی	۱۳
تدابیر فرهنگی و هنری	۱۷
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۱۹
تدابیر دفاعی و رزمی	۳۳
تدابیر ویژه بسیج	۴۱
تدابیر اقتصادی و مالی	۶۱
تدابیر نظارت و بازرسی	۶۳
تدابیر برون مرزی	۶۵
سایر تدابیر	۸۹
پی‌نوشت‌ها	۹۶

معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

سبقت کالی

حلول ماه ربیع الاول، یادآور هجرت
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه در سال سیزدهم
بعثت، و فداکاری حضرت امیرمؤمنان
امام علی علیه السلام در لیلۃ المبیت، و نزول آیه شریفه:
«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» است. (بقره ۲۰۷)

هشتم ربیع الاول، سالروز شهادت امام حسن عسکری علی‌السلام را تسلیت و آغاز امامت حضرت بقیه‌الله‌الاعظم علیه‌السلام، ولادت با سعادت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، میلاد مسعود حضرت امام صادق علی‌السلام و هفته وحدت را به شما منتظران ظهور تبریک گفته و همچنین ضمن گرامی‌داشت یوم‌الله حماسه نهم دی سال ۱۳۸۸ و تجدید پیمان ملت بصیر و قهرمان ایران با رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مد ظله‌العالی، تدابیر ارزشمند معظم له را که در آبان و آذر ۱۳۹۳ مطرح فرموده‌اند، به شما حماسه‌سازان حق‌پو تقدیم می‌کنیم.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

حدیث

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ
وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَّرَهُ عَيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا
وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ.^۱ الشافعی ص ۵۳۰

توضیح مقام معظم رهبری علیه السلام:

زهد، به معنای بی رغبتی است. این بی رغبتی
در آنجایی خود را نشان می دهد که امر دنیا با
امر دین با یکدیگر تعارض پیدا نکنند. کسی که
بی رغبت به دنیا است، دین را بر آن امر دنیوی
مقدم می دارد. اما کسی که راغب به دنیا است، دنیا
را مقدم می دارد. این عالی ترین مظهر رغبت
به دنیا است. نقطه مقابلش هم زهد است. در غیر

۱- امام الصادق علیه السلام فرمود:

کسی که به دنیا بی رغبت باشد، خداوند حکمت را در قلبش
تثبیت کند و زبانش را به آن گویا سازد و او را به عیب های دنیا
و درد و درمانش بینا گرداند و او را از دنیا سالم بیرون برد و
وارد دارالسلام (بهشت) کند.

موارد تعارض هم بی‌رغبتی به دنیا به معنای این است که نسان حرص نزنند. مراد از دنیا این نیست که انسان به امور زندگی نپردازد. زهد به دنیا یعنی انسان چیزی را برای خود نخواهد. حرص نزند و الا آباد کردن زمین، تنظیم زندگی و به سعادت رساندن انسان‌ها، رونق دادن به زندگی مردم، اینها امور مطلوبی است. شرع هم اینها را لازم و مطلوب دانسته است. دنیای شخص منی که زندگی می‌کنم به‌عنوان یک فرد، حرص زدن، دنبال کردن و هم و غم خود را تحصیل این قرار دادن مطلوب نیست. از نظر شرع مقدس این همان چیزی است که رأس همه خطیئات شمرده شده است. نقطه مقابل آن، زهد و بی‌رغبتی است. اگر کسی در امر دنیا بی‌رغبتی نشان بدهد و در دل بی‌رغبت باشد، این آثار را خدای متعال برای او مترتب می‌کند. که این بزرگ‌ترین نعمت و موهبت الهی است.

حکمت را در قلب او ثابت می‌کند. حکمت یعنی فهم حقایق عالم، که فلاسفه و حکما آن را چنین تعریف می‌کنند: «الحكمة صيرورة الانسان عالما عقليا مضاهيا للعالم العيني». در وجود انسان

حکیم، یک حقیقتی، یک معرفتی شکل می‌گیرد، که حقایق این عالم برای او روشن و مکشوف می‌شود. خود او یک عالم عقلی می‌شود، در قبال این عالم عینی، حقایق این عالم برای او روشن می‌شود. فریب ظواهر این عالم را نمی‌خورد. این حکمت است. این را خدای متعال در قلب او ثابت می‌کند. نه این که چیزی را از زبان این و آن یاد بگیرد. به صورت طوطی‌وار، و در او رسوخ نداشته باشد، این حکمت در قلب او ثابت و راسخ می‌شود. لذا در قرآن ملاحظه می‌فرمایید بعد از آن توصیه‌هایی که پیغمبر ﷺ می‌کند. «ولا تمش فی الارض مرحا» ... می‌فرماید: «ذلک مما اوحی الیک ربک من الحکمه»، حکمت اینهاست. ظواهر امر نشان نمی‌دهد که یک امر پیچیده، بغرنج و معضل فلسفی و فکری باشد. بلکه ساده به نظر می‌آید. اما وقتی انسان تعمق می‌کند، می‌بیند که همه خیرات زندگی در اینهاست. این خداوند در قلب او ثابت و راسخ می‌کند.

«وَأَنطِقَ بِهَا لِسَانَهُ». زبان او را به حکمت گویا می‌فرماید.

«و بَصَّرَه عِیُوبَ الدُّنْیَا دَآءَهَا وَ دَوَاءَهَا». این هم یک مصداقی از همان حکمت است، او را به عیوب دنیا بینا می‌کند. هم دردهای دنیا که عیوبش اینهاست. هم درمان‌های آن. که چگونه می‌شود که این دردها و از این عیوب خلاص شد. آن وقت نتیجه این می‌شود که، «و أُخْرِجَه مِنَ الدُّنْیَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ». از دنیا سالم خارج می‌شود. که این در دعاها هم هست «اُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْیَا سَالِمًا» یعنی به صورت صحیح، و فطری همان‌طور که خدای متعال خواسته است انسان رشد پیدا کند و به سمت کمال انسانی برود، به همین صورت انسان از دنیا خارج می‌شود.

جلسه دویست و سی و دوم درس خارج فقه ۸۷/۷/۲۱

تدابیر آموزشی

• پیوند علم و ایمان در مراکز آموزش

پیوند علم و ایمان در مراکز آموزش

افتخارات دانشگاه امام علی علیه السلام

این دانشگاه که به نام مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام مزین است، افتخارات زیادی دارد. این شهادی که در اینجا تصویر نورانی آنها را مشاهده می‌کنیم، اینها همه از این دانشگاه برخاستند، در اینجا تربیت شدند و توانستند نقش ایفا کنند. در میان رزمندگان ما و شهدای عزیز ما تعدادی از جوانان دانشجوی این دانشگاه هم حضور داشتند؛ این دانشگاه جای بابرکتی است، جای مبارکی است؛ این دانشگاه محلّ پرورش و رشد انسانهایی است که امروز ملت ایران به وجود آنها می‌بالد و آنها را مایه اقتدار معنوی خود به حساب می‌آورد؛ این را قدر بدانید و به اینکه در یک چنین مرکزی مشغول آماده‌سازی خودتان هستید افتخار کنید.^۵

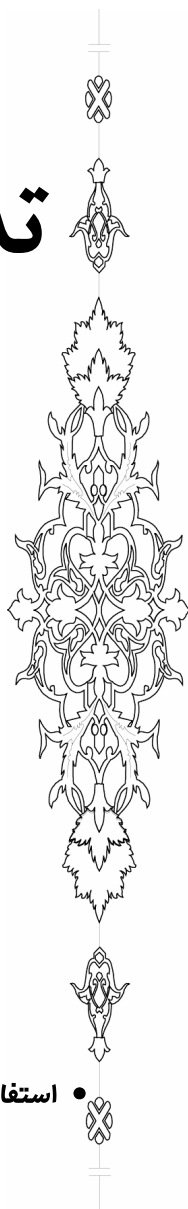
ضرورت فراگیری نظامیگری

با ضوابط اسلامی و مبانی دینی

عزیزان من! درس را خوب بخوانید، نظامیگری را به خوبی فرا بگیرید، نظامیگری را با ضوابط اسلامی و مبانی دینی همراه کنید، ابتکار کنید: همچنان که محققان ما، دانشمندان جوان ما در میدانهای گوناگون علمی، پدیدههای علمی را عرضه می کنند، شما هم پدیدههای نظامی را، پدیدههای سازماندهی نظامی را، پدیدههای ارتشی را، پدیدههای نوینی را که می تواند یک سازمان نظامی را به اوج اعتلاء برساند، به وجود بیاورید، ابتکار کنید و در میان خودتان آنها را رواج بدهید.^۵

تدابیر فرهنگی و هنری

• استفاده از روش‌های هنرمندانه



استفاده از روش‌های هنرمندانه

تقریظ بر کتاب «پنجره‌های تشنه»

(در آستانه اربعین حسینی ۱۳۹۳/۹/۲۲ رونمایی شد)

بسیار خوب و با ذوق و سلیقه نوشته شده است؛ و
با نگاه هنرمندانه و کنجکاو و نکته‌یاب. خواندم تا
۹۳/۲/۲۸.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست
این چه شمع‌ی است که جان‌ها همه پروانه اوست
ای شعله فروزان، ای فروغ تابان، ای گرمابخش
دل‌های خلاق! تو کیستی با این شکوه و جلال، با این
شیرینی و دلنشینی، با این هیبت و اقتدار، با این همه
لشکر دل‌به‌همراه، با غلغله فرشتگان که در کنار مویک
تو با آدمیان رقابت می‌کنند؟ تو کیستی ای نور خدا،
ای ندای حقیقت، ای فرقان، و ای سفینه‌النجاة؟ چه
کرده‌ای در راه خدایت که پاداش آن خدائی‌شدنِ هر
آن چیزی است که به تو نسبت می‌رساند؟ بنفسی انت،
بروحی انت، بِمُهِجَةٍ قَلْبِي انت، و سلام الله علیک یوم
وُلِدْتَ و یوم اُسْتُشْهِدْتَ مَظْلُوماً و یوم تُبْعَثُ فَاخِراً و
مَفْخَرًا. ۹۳/۲/۲۹.^{۱۰}



تدابیر سیاسی و اجتماعی

- دشمن شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
- افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
- اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی رهبر
- حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

داعش

یکی از فروع شجره خبیثه تکفیر

این اجلاس، [کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام] برای پرداختن به جریان تکفیر است که یک جریان مضر و خطرناک در دنیای اسلام است. این جریان تکفیر،

اگرچه تازه نیست و سابقه تاریخی دارد، لکن چند سالی است که با نقشه‌های استکبار و با پول برخی از دولت‌های منطقه و با طراحی و نقشه‌کشی سرویس‌های جاسوسی کشورهای استعماری - مثل آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی - تجدید حیات کرده است و قوت گرفته است. این جلسه، این اجلاس و این حرکت شما برای مقابله همه‌جانبه با این جریان است؛ نه برای آن چیزی که امروز به‌عنوان داعش شناخته می‌شود. جریانی که امروز به نام داعش شناخته می‌شود، یکی از فروع شجره خبیثه تکفیر است، همه آن نیست. این فسادى که این مجموعه به راه انداختند، این اهلاك حرث و نسل، (نابودی کشت و نسل - بقره ۲۰۵) این ریختن خون بی‌گناهان، این بخشی از جرائم جریان تکفیر در دنیای اسلام است؛ با این چشم باید نگاه کرد به این مسئله.^۶

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

احساس مسئولیت الهی و بصیرت

بعضی‌ها احساس مسئولیت داشتند در دوران مبارزات اما نمی‌فهمیدند این را کجا خرج کنند. جایی خرج می‌کردند که به ضرر حرکت عظیم مبارزاتی امام بزرگوار بود. بعد از انقلاب هم همین‌جور. تا امروز هم همین‌جور است. بعضی‌ها احساس دارند، احساس مسئولیت می‌کنند، انگیزه دارند؛ اما این انگیزه را غلط خرج می‌کنند؛ بد جایی خرج می‌کنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی‌گیرند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حالا ما چند سال پیش در قضیه فتنه گفتیم بصیرت؛ بعضی دهن‌کجی کردند که بصیرت! بله، بصیرت! بصیرت که نبود، هرچه که مسئولیت و انگیزه بیشتر باشد، احساس بیشتر باشد، خطر بیشتر است؛ اطمینانی دیگر نیست به این آدم بی‌بصیرت و بدون روشن‌بینی که دوست را نمی‌شناسد، دشمن را نمی‌شناسد و نمی‌فهمد کجا باید این احساس را، این نیرو را، این انگیزه را خرج کند.^۷

بی‌نیازی ما از اعتماد آمریکا

همین حرف‌های چند روز اخیرشان [مسئولین دولت آمریکا] را شما بشنوید؛ می‌آیند می‌ایستند و می‌گویند: ایران باید اعتماد جامعه جهانی را جلب کند. اسم خودشان را می‌گذارند جامعه جهانی! آمریکا و انگلیس و فرانسه و چند کشور مستکبر، شده‌اند جامعه جهانی! این جامعه جهانی است؟! حدود ۱۵۰ کشور عضو غیرمتعهدها که دو سال پیش در تهران جلسه داشتند، جامعه جهانی نیستند؟ نزدیک به پنجاه رئیس‌جمهور و رئیس‌کشور و رئیس‌دولت که در آن اجلاس به تهران آمدند و شرکت فعال کردند، اینها جامعه جهانی نیستند؟ میلیاردها مردمی که در این کشورها زندگی می‌کنند، جامعه جهانی نیستند؟ همین چند کشور - آن هم کشورهایی که رؤسا از مردم خودشان غالباً منقطع‌اند - جامعه جهانی‌اند؟ «اعتماد جامعه جهانی را جلب کنید» یعنی اعتماد ما را، یعنی اعتماد آمریکایی‌ها را! ما نمی‌خواهیم اعتماد آمریکا را جلب کنیم. ما اصلاً به اعتماد آمریکا هیچ احتیاجی نداریم. ما نیاز نداریم شما به ما اعتماد کنید؛ اعتماد شما به ما، هیچ اهمیتی برای ما ندارد. ما هم به شما اعتماد نداریم، مردمتان هم به شما اعتماد ندارند.^۷

تحریم و فشار اقتصادی

برای جلوگیری از پیشرفت ایران

[در مذاکرات هسته‌ای ۵+۱] هیئت ما با منطق و محکم، در مقابل آنها قرار دارند. البته در میان این مذاکره‌کننده‌ها و این چند نفری که در مقابل ایران [هستند] - ایران یک‌تنه است، آنها یک لشکرند؛ چند کشورند که پشت سر هر کدام از آنها یک لشکر دیپلمات و روابط عمومی و عکاس و تحلیلگر و مانند اینها هست - از همه بداخلاق‌تر آمریکایی‌ها هستند، از همه موذی‌تر انگلیس‌ها هستند. اگر این مذاکرات به نتیجه نرسد، آن که بیش از همه ضرر می‌کند ما نیستیم، آمریکایی‌ها هستند. ما با ملت خودمان روراست هستیم. حقیقت مطلب را با ملت در میان می‌گذاریم، به ملت‌مان می‌گوییم، تا حالا هم فهمیده‌اند، با دلایل متعدّد هم می‌شود این را قطعی و مدلل کرد که قصد واقعی استکبار و غرب در مقابل ایران، جلوگیری از رشد و اقتدار ملت ایران است؛ قصد واقعی این است که از عزّت روز افزون ملت ایران

جلوگیری کنند؛ مسئله هسته‌ای یک بهانه است، بهانه‌های دیگری هم در کنار این هست. مسئله اصلی این است که استعدادهای ملت ایران به‌تدریج بُروز و ظهور پیدا کرده است، دارد پیشرفت می‌کند در همه ابعاد؛ ابعاد سیاسی، ابعاد علمی، ابعاد گوناگون اجتماعی، و دارد اقتدار پیدا می‌کند، اینها از این ناراضی‌اند، از این ناراحت‌اند، جلوی این را می‌خواهند بگیرند؛ تحریم و فشار هم به همین نیت است، تحریم و فشار اقتصادی به خاطر همین است که بلکه بتوانند از تلاش‌های رو به گسترش ملت ایران جلوگیری کنند؛ لذا تحریم می‌کنند، فشار می‌آورند، فشار اقتصادی می‌آورند، البته خب فشار اقتصادی عامل مهمی است.^۷

رگِ حیاتِ مسئولان آمریکا

در دست شبکه سرمایه‌داران صهیونیست

[آمریکا] می‌گوید: امنیت اسرائیل باید حفظ شود. اولاً اسرائیل روزبه‌روز ناامن‌تر خواهد شد؛ چه توافق هسته‌ای بشود، چه نشود؛ این را بدانید! امنیت اسرائیل تأمین نخواهد شد. چه توافق هسته‌ای بشود و چه نشود. اما اینکه حالا شما می‌گویید: امنیت اسرائیل باید حفظ بشود، من می‌گویم: این حرف هم حرف صادقانه‌ای نیست. برای دولت‌مردان و دولت‌زنان آمریکا، امنیت اسرائیل مسئله اصلی نیست، مسئله اصلی چیز دیگری است. مسئله اصلی برای این حضرات، راضی نگه داشتن شبکه سرمایه‌داران صهیونیست است که رگِ حیاتِ اینها را در دست گرفته‌اند. مسئله آنها این است! والا اسرائیل باشد یا نباشد، چه اهمیتی برای اینها دارد؟ آنچه برایشان مهم است، این است که رگِ حیاتشان را داده‌اند به دست شبکه سرمایه‌داران صهیونیست؛ آنهایی که هم به اینها رشوه می‌دهند، هم اینها را تهدید می‌کنند؛ رشوه می‌دهند - رشوه پولی، پول به آنها می‌دهند - [آنها هم] پول می‌گیرند؛ رشوه مقامی و وعده مقام می‌دهند و اگر با آنها که نبض اقتصاد آمریکا را در دست دارند، ساخت و پاخت نکنند، از رسیدن به مقامات عالی - مثل ریاست

جمهوری، مثل وزارت و مانند اینها - خبری نیست؛ مسئله برایشان این است! تهدید هم می‌کند؛ اگرچنانچه اینها بر خلاف میل آن شبکه خطرناک عمل بکنند، تهدیدشان می‌کنند، یا تهدید می‌کنند به اینکه شما را وادار می‌کنیم به استعفا، یا برای شما رسوایی درست می‌کنیم! که اینها را در زندگی آمریکایی در این چند سال دیده‌اید؛ یکی را متهم می‌کنند، یکی را بدنام می‌کنند، برای یکی ماجرای فساد جنسی درست می‌کنند، یکی را وادار به استعفا می‌کنند، یکی را هم ترور می‌کنند؛ از این رؤسا و بزرگان، کسانی را ترور هم کردند؛ دست آنها باز است! شما از این می‌ترسید! شما ملاحظه این را می‌کنید؛ مسئله امنیت اسرائیل نیست، مسئله امنیت خودتان است. اینها مستکبرانند، این جوری حرف می‌زنند، ما هم آلمان با مستکبرین به یک جو نمی‌رود. خب! اگر حرف منطقی‌ای وسط بیاید، حرفی نداریم؛ ما حرف‌های منطقی را قبول می‌کنیم. قرارهای عادلانه و عاقلانه را قبول می‌کنیم اما آنجایی که پای زورگویی و زیاده‌طلبی باشد، نه! جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، هم مردمش، هم مسئولینش قبول نخواهند کرد؛ این را بدانند.^۷

اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی قدس سره

بصیرت الهی امام بزرگوار الشیخ العظمی

در تشکیل و هدایت بسیج

رحمت خدا و رضوان خدا بر امام بزرگوار الشیخ العظمی که همه این چیزها را فکر کرد؛ آن چشم تیزبین و روشن‌بین، آن بصیرت الهی، بدون اینکه درس سیاست در جایی خوانده باشد، از کسی فراگرفته باشد، همه آن چیزهایی را که در این زمینه لازم بود، از خدای متعال الهام گرفت؛ به آن قلب پاکیزه الهام شد. امام هم بسیج را درست کرد، هم جهت را نشان داد. امام فقط نگفت: حرکت کنید، راه بیفتید، احساس مسئولیت کنید، بسیجی باشید. نه! گفت که چه کار کنید. به ما گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. این یعنی جهت دادن؛ یعنی یاد دادن که چه کار کنید، کدام طرف بروید، کجا را نشانه بگیرید؛ این را به ما یاد داد. در دوران جنگ، در هشت سال دفاع مقدس، مکرر گفت: جنگ در رأس امور است. ما مسئول بودیم در کشور - بنده رئیس‌جمهور بودم، یکی دیگر مسئول دیگری بود - هزار جور کار داشتیم. مأمور و مسئول وقتی که این همه کارهای اجرایی دوروبرش هست، گاهی غفلت می‌کند، [اما] امام راه را نشان داد به همه - به

مسئولین، به مردم، به جوان‌ها - [که] جنگ در رأس امور است. همین هم بود. جهت داد به همه که بروید سراغ این کار؛ این مهم است.

در قضیه حرکت به سوریه برای جنگیدن با رژیم اشغالگر قدس که خوشحال بودند جوان‌های ما - دو نفرشان هم پیش من آمدند که هر دو الآن جزو شهادی عالی مقام ما هستند - که می‌خواهند بروند بجنگند. امام مطلع نبودند؛ بعد که مطلع شدند، گفتند که راه مبارزه با اسرائیل از عراق می‌گذرد؛ جلوی آن را گرفتند. و آنهایی که رفته بودند، برگشتند. ببینید؛ این، فهمیدن اولویت‌ها است، شناختن اولویت‌ها است. امام راه را، جهت را نشان می‌داد.

فرمود: حفظ نظام از اوجب واجبات یا اوجب واجبات است؛ یعنی همه مسائل بعدی، فرع این مسئله است. این جهت را به ما نشان داد. ممکن است جناب عالی با رفیق سر یک قضیه‌ای کوچک یا بزرگ اختلاف نظر داشته باشید اما در حفظ نظام، هردو به قدر هم مسئولید.

آنهایی که نفهمیدند این حرف امام را، در یک جاهایی خطاهای فاحش کردند. امام، جهت را نشان می‌داد. این مرد بزرگ، این جوری حرکت می‌کرد.^۷

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

ضرورت پایبندی به تدین، تخلق و تفکر

به نظر من مرحوم عسگراولادی در سه بخش آدم برجسته‌ای بود:

یک بخش، بخش دینی بود؛ تدین. ایشان انصافاً متدین به معنای واقعی، متعبد، پایبند به مسائل شرعی و دینی به معنای واقعی کلمه [بود]. ...

جنبه دومی که در آقای عسگراولادی بود جنبه اخلاقی بود؛ ایشان انسانی بود دارای اخلاق حسن شرعی؛ بسیار متین، بسیار پُرحوصله، صبور، باانصاف؛ خب روح تدین اینها است دیگر، و الا کسی نماز هم بخواند، نوافل هم بخواند، نماز شب هم بخواند، [اما] در برخوردش با مردم آدم بی‌انصافی باشد، این نیست دیگر. مرحوم عسگراولادی از لحاظ خلقیاتی، انسان اخلاقی دینی بود، یعنی آدم صبوری بود، آدم بسیار متینی بود، آدم بسیار باانصافی بود - که این را ما در رفتارهای ایشان می‌دیدیم - آدم مراقبی بود؛ مراقب خودش بود، مراقب حرف زدنش بود - اینها خیلی مهم است که هرچه از دهنمان درمی آید نگوئیم و نپرانیم - و خود را کنترل می‌کرد؛ این هم جنبه دوم که

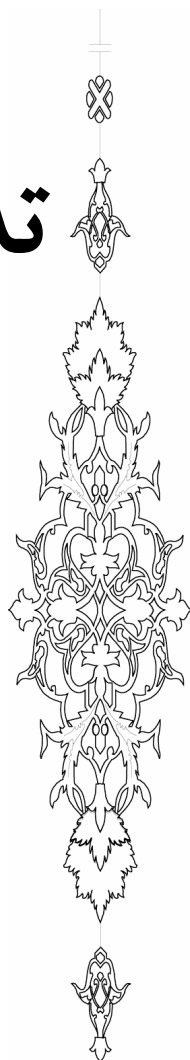
جنبه اخلاقی است، که این اخلاق، روح دین است؛ اخلاق انسانی برای هر انسانی روح دینداری او است: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ مکارم اخلاق یعنی همین، یعنی انسان صبور باشد، متین باشد، باانصاف باشد، خوش ذات باشد، نسبت به مردم خیرخواه باشد، خدوم باشد، اهل کار باشد، مبتکر باشد، پیشرو باشد، تنبلی نکند؛ اینها همین اخلاقیات اسلامی است؛ همه اینها در آقای عسکراولادی بود؛ اینها را همه می‌دانید، دیده‌اید.

جنبه سوم آقای عسکراولادی جنبه فکری بود، ایشان یک آدم فکری بود؛ آدم بسیار خوش فکر در مسائل سیاسی و در مسائل اجتماعی [بود] و به هیچ وجه ایشان یک آدم عامی نبود؛ در همه مسائلی که وارد می‌شد اهل فکر بود، هم در مسائل اقتصادی. در مسائل سیاسی [هم] همین‌جور؛ آدمی بود اهل فکر، اهل فهم، می‌فهمید، تشخیص می‌داد. ... وجهه ایشان وجهه فکری بود؛ یعنی آدمی بود اهل فکر، خوش فکر، اهل استدلال، اهل منطق، واقعا در مسائل گوناگون ذهنش کار می‌کرد، انسان جامعی بود.

... همین سه خصوصیتی که من در مورد ایشان گفتم، هر سه خصوصیت برای ما در واقع درس است:

هم خصوصیت تدین، هم خصوصیت تخلق، هم خصوصیت تفکر؛ که آدم حقیقتاً، هم پایبند به مبانی دینی و پایبند به شرع و تشرع باشد - از محرمات الهی اجتناب کنیم؛ حالا محرمات الهی برای افراد مختلف است؛ محرمات الهی بعضی یک چیزهایی است، محرمات الهی ما یک چیزهای دیگر است؛ غیبت می‌کنیم، غیبت می‌شنویم، خلاف واقع می‌گوییم، قضاوت نادرست می‌کنیم، آنجایی که باید حرف بزنیم، سکوت می‌کنیم. آنجایی که باید سکوت کنیم، حرف می‌زنیم. تخلفات شرعی ما اینهاست. باید اینها را مراعات کرد، مراقبت کرد - هم آن جهت تخلق را که عرض کردیم؛ این تخلق به معنای واقعی کلمه، روح تدین است؛ صبر را، حوصله را، انصاف را، متانت را، گذشت را، تلاش را، تنبلی نکردن را - این چیزهایی که لازم است - باید یاد بگیریم. خب! ایشان در سنین مثلاً هشتاد و خرده‌ای، از تحرک سیاسی دست برد نداشته بود؛ این خیلی مهم است که انسان احساس پیری نکند در میدان مبارزه و در کار مبارزه؛ احساس خستگی و تنبلی و انزوا و گوشه نشینی نکند؛ اینها خیلی مهم است.^۱

تدابیر دفاعی و رزمی



- افزایش آمادگی همه جانبه
- روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

افزایش آمادگی همه جانبه

اقتدار نیروهای مسلح

در میدان مسئولیت و عرصه رزم آوری

نیروهای مسلح در هر کشوری، یکی از پایه‌های اقتدار آن کشورند. یقیناً پایه اقتدار نظامی هر کشور، می‌تواند نمایشگر توانایی‌های عمومی و بین‌المللی آن کشور باشد. ولی معنای اقتدار در خود نیروهای مسلح، نباید با سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی نگریسته بشود. نیروهای مسلح توانمند، آن نیروهایی هستند که انگیزه و معنویت و عزم راسخ در آنان بتواند روش‌های آنها، رفتارهای آنها و حرکت آنها را در عرصه‌های مسئولیت شکل بدهد، جهت بدهد و هدایت کند. اگر ایمان نباشد، بصیرت نباشد، عزم راسخ نباشد، نگاه بلندمدت به انتهای صفوف دشمن نباشد، تعداد جمعیت یا کثرت عدّه و عدّه نظامی و تجهیزات، سرنوشت‌ساز نخواهد بود. جمعیت زیاد

در نیروهای مسلح یا حتی تجهیزات پیشرفته یا حتی آموزش‌های روزآمد به‌تنهایی کافی نیستند که نیروهای مسلح متعلق به یک کشور و ملت را موجب توانایی و اقتدار آن ملت قرار بدهند؛ لازم است ایمان باشد، عزم باشد، احساس مسئولیت باشد، فهم حقیقت مسئولیت نیروهای مسلح وجود داشته باشد؛ اینها است که می‌تواند نیروهای مسلح را به‌معنای واقعی کلمه رکن اقتدار یک ملت قرار بدهد. نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی - چه ارتش سرافراز جمهوری اسلامی و چه سپاه پاسداران و نیروی بسیج، و دیگر کسانی که در مجموعه نظام نیروهای مسلح حضور دارند - در طول سالیان دراز قابلیت‌های خودشان را به اثبات رساندند؛ قابلیت‌های معنوی خود، توانایی‌های علمی خود، قدرت ابتکار خود، عزم راسخ خود را عملاً نشان دادند. لذا دنیا بر روی نیروهای مسلح ما حساب می‌کند، آن را جدی می‌گیرد، می‌داند آنجایی که میدان مسئولیت و عرصه رزم‌آوری است در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح در آنجا سنگ تمام می‌گذارند.^۵

راه اعتلای روزافزون نیروهای مسلّح

جوانان عزیز! فرزندان فداکار این مِلّت که این عرصهٔ خطیر را برای خدمت خودتان انتخاب کردید! خودتان را برای اعتلای روزافزون مجموعهٔ نیروهای مسلّح آماده کنید. درس که می‌خوانید، آموزش که می‌بینید، فکر و تحقیق که می‌کنید، انضباط و سایر فنون نظامی را که فرا می‌گیرید، با این نیت، با این فکر، با این همّت بلند آنها را همراه کنید که می‌خواهید به معنای حقیقی کلمه پایهٔ مهمّ اقتدار کشورتان باشید.^۵

افسران مؤمن،

نویدبخش آینده روشن نظام دفاعی کشور

خدای متعال را سپاسگزارم بر نعمت وجود جوان‌های مؤمن، افسران مطهر و پاکیزه‌ای که آینده روشنی را برای ارتش جمهوری اسلامی ایران و برای نظام دفاعی کشور نوید می‌دهند. شما جوانان عزیز - چه کسانی که دوران آموزش این دانشگاه را طی کرده‌اید و به درجه افسری رسیده‌اید و چه کسانی که وارد این میدان علم و تجربه و ایمان شده‌اید و ان شاء الله بهره‌های وافر خواهید برد - فرزندان عزیز من و فرزندان عزیز و برجسته ملت ایران‌اید. به همه شما توفیقاتتان را تبریک عرض می‌کنم و از فرماندهانتان، مدیران و مسئولانی که این بار سنگین را بر دوش دارند، صمیمانه تشکر می‌کنم. برنامه امروز هم برنامه زیبا و پر مضمون و پر مغزی بود؛ ان شاء الله که خداوند متعال بر طبق همین شعارها، بر طبق همین روش، این گفتارها را در مایه‌های اصلی جان و دل و اندیشه و عمل شما تا سالیان دراز مستقر و پایدار بدارد.^۵

ضرورت استمرار توانایی‌های نظامی

و انگیزه‌های ایمانی

روحیه مقاومت و ایستادگی، مایه آبرو و اعتبار نیروهای مسلح [است]. ... نیروی دریایی باید با افزایش روزآمد آمادگی‌ها و توانایی‌های نظامی، و همچنین تقویت انگیزه‌های ایمانی و روحیه فداکاری، نقش بزرگ و مهم خود را در حفظ امنیت ملی و دفاع عمومی و حفاظت از حصار مستحکم کشور استمرار دهد. ... تقویت روزافزون روحیه عزم و آمادگی برای فداکاری، ضروری [است]. ... درس قرآن کریم به ما این است که اگر ایمان قوی و روحیه ایستادگی وجود داشته باشد، حتی با امکانات و تجهیزات محدود نیز امکان غلبه و پیروزی بر دشمن وجود دارد.^۸

لزوم افزایش آمادگی دائمی

و انجام برنامه‌ریزی‌های راهبردی

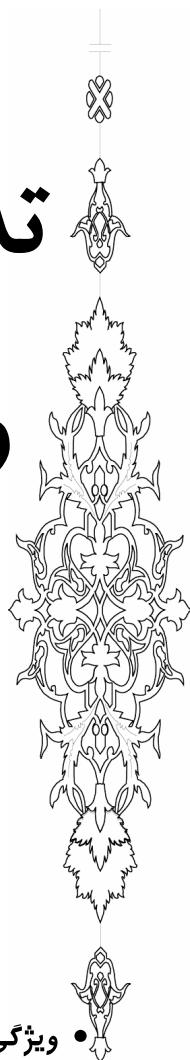
[با توجه به] مرزهای گسترده آبی کشور و سرمایه‌گذاری وسیع دشمن در این منطقه، ... نیروهای مسلح ما باید بدون در نظر گرفتن محاسبات سیاسی، آمادگی‌های خود را دائماً افزایش داده و با شناسایی خلأهای خود و همچنین بررسی امکانات و نقاط ضعف دشمن، برنامه‌ریزی‌های راهبردی انجام دهند. ... دوران صلح، فرصت مغتنمی برای خدمت نیروهای مسلح در بخش‌های علمی، سازندگی و افزایش بازدارندگی [است]. ... مسئله آبادسازی سواحل مکران نیز جزء همین کارهای اساسی است که باید با همکاری دولت، برنامه‌های مورد نظر در این منطقه با سرعت بیشتری دنبال شود.^۸

روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

یاد شهدا و فداکاری‌های نیروی دریایی

فداکاری‌های نیروی دریایی در مقاطع مختلف به‌خصوص در دوران دفاع مقدس، ... هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود.^۸

تدابیر ویژه بسیج



- ویژگی‌ها و تعمیق تفکر بسیجی
- نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری بسیجیان
- تشکل‌های بسیج
- تعامل بسیج با سپاه و وزارتخانه‌ها

ویژگی‌ها و تعمیق تفکر بسیجی

پشتوانه فکری بسیج

آنچه به نظر این حقیر، کمتر به آن پرداخته شده است و باید پرداخته بشود، مسئله عقبه فکری و پشتوانه فکری بسیج است. بسیج یک اندیشه است، یک فکر است، یک منطق است، یک منظومه فکری است. علت این هم که همه می‌بینند که تحصیل کرده، نخبه، نابغه، از رشته‌های مختلف مجذوب بسیج می‌شوند، این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست؛ یک منطق قوی پشت سر بسیج

وجود دارد؛ این منطق، این علم، وقتی با عمل همراه می‌شود، این غوغا را درست می‌کند؛ این حوادث شگفت‌آور را خلق می‌کند. پایه این تفکر چیست؟

من چند جمله کوتاه درباره این تفکر - تفکری که قاعده بسیج است، پشتوانه بسیج است، عقبه فکری بسیج است - عرض می‌کنم. دو نکته را من در این مورد عرض می‌کنم، [که] جای فکر کردن و بحث کردن و کار کردن دارد:

۱- پایه این تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است؛ مسئولیت انسان. انسان موجودی است مسئول. نقطه مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی: «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت پرداز» است. پایه فکری بسیج، این مسئولیت الهی است که حالا عرض می‌کنم مبانی دینی مستحکمی دارد. نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده خود و نزدیکان خود - که این هست - بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیر مسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم‌عقیده و مسلم و مؤمن نیست. بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین

و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند. نقطهٔ مقابلِ همان دَم‌غنیمتی، ولش کن و حالت تبلی و حالت گریز از مسئولیت و مانند اینها است. پایهٔ اصلی بسیج، این احساس مسئولیت است. این تفکّر مسئولیت انسان، جزو بینات اسلام است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید بکند که اسلام، انسان را این‌جور موجودی می‌داند: موجودی که مسئول است، کار از او خواسته شده است.

شما ملاحظه کنید احکام گوناگون را، مثلاً: حکم امر به معروف و نهی از منکر. امر به معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف را، نیکی را گسترش بدهید، امر کنید به آن؛ نهی از منکر [یعنی] زشتی را، بدی را، پلشتی را نهی کنید؛ جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این چیست؟ معنای این، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئولند: من مسئولم؛ شما مسئولی؛ آن یکی مسئول است. یا مسئلهٔ جهاد. جهاد اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پردهٔ سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به اینها نرسد؛ نور هدایت به اینها نرسد. جهاد برای دریدن این

پرده‌ها و این حجاب‌ها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدایی است یا مانند اینها، بحث‌های فرعی است؛ بحث اصلی این است: «مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ»؛ [نساء ۷۵] چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ چرا جهاد نمی‌کنید، مقاتله نمی‌کنید، نبرد نمی‌کنید در راه خدا - و بلافاصله [می‌گوید] - و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانت را کف دستت بگیر در میدان‌های خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. ... پایه اصلی حرکت بسیج این است: احساس مسئولیت الهی.

۲- دومین پایه که در کنار این هست که مکمل پایه اول است، عبارت است از: بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است. همیشه با یک سلاح

نمی‌شود مبارزه کرد. در همه میدان‌ها با یک سلاح نمی‌شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟ بارها من عرض کرده‌ام اینهایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می‌خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمی‌داند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگ‌های نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این‌جوری می‌شود. اگر بصیرت نبود، می‌شود این؛ که فرمود: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»؛ (تحف العقول، ص ۳۵۶) شبهات و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی‌آورند؛ می‌فهمد چه کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به وجود خواهد آمد، حتی اگر آن احساس مسئولیت هم باشد.

... این پس شد رکن دوم که بسیار بسیار لازم است. اگر این رکن دوم نباشد، امر به معروفش هم

اشتباهی درمی‌آید، جهادش هم اشتباهی درمی‌آید، امرِ موردِ اهتمامش هم دچار خطا می‌شود، و به کج‌راهه می‌افتد. ... خب! پس پایهٔ فکری، در درجهٔ اوّل، آن احساس مسئولیت است که این عقبهٔ فکری بسیار مستحکمی است برای شما که می‌خواهید در عرصهٔ بسیج حرکت بکنید، و شرط لازم که پایهٔ دوّم محسوب می‌شود، بصیرت است؛ از این دو چیز یک لحظه نباید غفلت کرد. آن احساس مسئولیت - یعنی برای خدا، «صَبْرًا وَ احْتِسَابًا»؛ (از جمله، دعای روزهای ماه مبارک رمضان) پروردگارا، من این کشف علمی را می‌کنم، این مطالعه را می‌کنم، این کار هنری را خلق می‌کنم، این مبارزه را می‌کنم، این عمل اقتصادی را انجام می‌دهم، این کمک را به زید می‌کنم، این مبارزه را با عمرو می‌کنم، برای تو؛ چون از من مسئولیت خواسته‌ای - این احساس مسئولیت و احساس تعهد الهی!؛ بعد هم آگاهی: بدانیم کجا هستیم؟ جای ما کجا است؟ جای دشمن کجا است؟ دشمن کیست؟ با دشمن با چه سلاحی باید مبارزه کرد؟ این هم رکن دوّم. با این نگاه، هم دایرهٔ بسیجیان مشخص می‌شود، هم عرصه‌های فعالیت بسیج روشن می‌شود.^۷

صدور تفکر بسیجی

دلیل شکست ناپذیری ایران اسلامی

خب! این تفکر که تفکر بسیجی است و امام بزرگوار ما این را در ایران اسلامی خلق کرد، این صادر شده. بارها گفتیم: مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه‌جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد؛ حالا جنجال کنند، دادویی داد کنند؛ رفته، صادر شده و الآن شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند، در عراق دارد فعالیت می‌کند؛ جوان‌های عراقی حرکت کردند همراه ارتششان شدند توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین‌جور، در غزه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجاتِ الاقصی هم همین‌جور.

خب! این روشن شد. حالا بنده عرض می‌کنم: به همین دلیل ایران اسلامی شکست‌ناپذیر است. آنهایی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند که ما چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم، بدانند: جمهوری اسلامی به برکت تفکر بسیجی و عمل و حرکت بسیجی شکست‌ناپذیر است. هر فرد ایرانی بالقوه یک بسیجی است، مگر عده معدودی که یا دچار خودپرستی‌اند یا دچار شهوت‌پرستی‌اند یا دچار پول‌پرستی‌اند یا دستشان زیر سنگ دشمن است، آنها را می‌گذاریم کنار؛ معدودند، زیاد نیستند. اکثریت قاطع ملت ایران بالقوه بسیجی‌اند؛ دلیل شکست‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی این است. متنها باید حواس همه جمع باشد؛ امتحان همیشه هست، برای همه هست؛ حرکت نباید سست بشود؛ جهت حرکت اشتباه نباید بشود؛ جهت حرکت به سمت استکبار است، مقابله با استکبار است.^۷

دعوت بسیجیان به اخلاق

من دعوت می‌کنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک‌دامنی. بسیجی‌ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژِ پایدار و استواری درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایت‌ها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را درنظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تَفَرُّغ دوری کنیم. مالک‌اشتر با آن مقام، با آن شجاعت، با آن جایگاهی که نزد امیرالمؤمنین داشت، در کوچه حرکت می‌کرد، یک پسر بچه‌ای او را نشناخت، مسخره‌اش کرد، شاید سنگ‌ریزه‌ای به طرفش پرتاب کرد؛ مثلاً دید یک آدمی دارد می‌رود، بنا کرد مسخره کردن؛ بعد مالک‌اشتر رد شد، افرادی که آن منظره را دیدند، به

پسرک گفتند: فهمیدی چه کار کردی؟ فهمیدی چه کسی را مسخره کردی؟ پسر بچه نمی‌شناخت مالک اشتر را، گفت: نه! گفتند: این مالک اشتر بود؛ پسر بچه دستپاچه شد؛ حالا خودش تنها یا خودش و پدرش مثلاً یا دوستانش دوان دوان آمدند که یک‌جوری عذرخواهی کنند که برایشان مایه دردسر نشود؛ دنبال مالک اشتر راه افتادند، دیدند به مسجد آمده، دارد نماز می‌خواند؛ رفتند جلو و بنا کردند عذرخواهی کردن؛ مالک اشتر گفت من آمدم مسجد برای اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خدای متعال خطای این جوان را ببخشد! ببینید، این دلسوزی، این احساس مسئولیت، این حلم، این بزرگواری، اینها است. من و شما هم باید همین‌ها را یاد بگیریم.^۷

هشیاری نسبت به استحکام و عدم سایش اعتقادی و عملی

توصیه اکید می‌کنم به استحکام و عدم سایش اعتقادی و ایمانی و عملی؛ مراقب باشید. ما در این مسیر زندگی، آنجایی که با وسوسه‌ها مواجه می‌شویم؛ وسوسه پول، وسوسه شهوات، وسوسه مقام، وسوسه رفاقت، ساییدگی پیدا می‌کنیم؛ سایش پیدا می‌کنیم مراقب باشید سایش اعتقادی پیدا نکنید، شما بر روی محیط اثر بگذارید، نگذارید آن محیط اگر بد است، روی شما اثر بگذارد.^۷

نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری بسیجیان

حضور بسیج در عرصه‌های مختلف عمل

ما بسیج را از اوّل تا امروز در میدانِ عمل دیده‌ایم؛ در عرصه‌های مختلف اما همه عمل. در دفاع مقدّس - جنگ هشت‌ساله - در سازندگی؛ در فنّاوری‌های متنوّع - از سلّول‌های بنیادی بگیرد تا انرژی هسته‌ای، اینها کار بسیج است - از حضور پزشکان در بیمارستان‌هایی نزدیک به خطّ مقدّم جبهه، که بنده خودم در آن دوران دیدم این بیمارستان‌ها را که دشمن با خمپاره‌های کوتاه‌برد می‌توانست این مراکز را بزند. پزشکان از تهران، از شهرستان‌ها آماده بودند، به‌مجرّد اینکه از مرکز جبهه به آنها اطلاع داده می‌شد که راه یفتند، کیفشان، ساکشان حاضر بود و راه می‌افتادند می‌رفتند در آن‌چنان موقعیتی کار می‌کردند؛ از فعالیت‌های هنری بسیجی، کارهای هنری برجسته، فعّال و مؤثّر که روزبه‌روز هم بحمدالله تا امروز تکامل پیدا کرده؛ همه‌جا بسیج را ما در میدانِ عمل ملاحظه کرده‌ایم. متنها عرصه، عرصه بسیار وسیعی است ... از عمل علمی، تا عمل هنری، تا عمل جنگی، تا عمل سازندگی، تا عمل اقتصادی و همه اینها.^۷

عرصه‌های بی‌پایان حضور بسیجیان

اما عرصه‌ها، عرصه‌ها بی‌پایان است. عرصه‌ها هیچ محدودیتی ندارد. عرصه دفاع، عرصه سیاست، عرصه سازندگی، عرصه اقتصاد، عرصه هنر، عرصه علم و تحقیق، تشکّل‌های مذهبی، عزاداری‌ها؛ همه‌جا و همه‌جور؛ اینها عرصه‌های حضور بسیج است؛ همه‌جا در همه این مراکز هم ما الگو داریم؛ الگوهای برجسته‌ای داریم که اینها نشان دادند که برجسته‌اند، بزرگ‌اند. در جنگ سرداران بزرگی داشتیم، شخصیت‌های برجسته؛ حالا بعضی‌ها نخبه علمی بودند، آمدند در جنگ شدند سرباز و فعال و تفنگ‌به‌دست؛ مثل مرحوم شهید چمران. چمران یک نخبه علمی بود، نخبه هنری هم بود؛ خودش به من می‌گفت: من در عکاسی هنرمندم. آمده بود جنگ، لباس نظامی پوشیده بود، شد نظامی؛ [اما] قبل از اینکه وارد میدان بشود، نخبه بود. بعضی قبل از اینکه وارد این میدان بشوند، نخبه نبودند. این میدان، آنها را به فلک رساند؛ مثل اوستا عبدالحسین بنا،

(شهید عبدالحسین برونسی) که یک شاگرد بنا بود؛ وارد میدان جنگ شد، رسید به خورشید، اوج گرفت، نخبه شد، آن هم چه نخبه‌ای! اینها برجسته‌اند. ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسان‌های زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان‌جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد - یا مثل شهید شهریار؛ که این روزها اسم شهید شهریار را می‌آوریم، چون این روزها سالگرد شهادت او است؛ (شهید مجید شهریار در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۸ در یک حمله تروریستی به شهادت رسید). بقیه هم همین‌طور: رضایی‌نژاد، علی‌محمدی، احمدی روشن؛ اینها نخبگانی بودند در وادی علم و تحقیق که بسیجی‌وار کار کردند؛ شهید شهریار بسیجی‌وار کار کرد. آن روزی که درها را به روی ملت ایران خواستند ببندند - با آن شیوه‌هایی که حالا خیلی‌ها از آحاد مردم در تلویزیون، در خبرها چیزهایی را شنیدند، خیلی‌ها هم پشت پرده است که بعدها

روشن خواهد شد که چقدر خیانت کردند - که محصول این رادیوداروها به دست مردم نرسد و جمهوری اسلامی دچار مشکل بشود و گفتند: نمی‌فروشیم! که این مرکز تهران تعطیل بشود، اینها - مرحوم شهید شهریاری - هم مشغول کار شدند، تلاش کردند، که بعد آمدند به ما گفتند که توانستیم بیست درصد را تولید کنیم، بعد هم آمدند به ما اطلاع دادند که ما لوله سوخت و صفحه سوخت را هم ساختیم؛ دشمن [متحیر] ماند. این کار، کار بسیجی بود؛ این کار، کار معمولی نبود. در همه این میدان‌هایی که ذکر کردیم، هزاران انسان بزرگ بودند و هستند و تلاش کردند که بعضی را اسم آوردیم.^۷

مطالبه کارهای بزرگ از بسیج

کارهای بزرگ بخواهید از عناصر بسیج؛ کارهای بزرگ از بسیاری از مردم پرستعداد ملت ما برمی‌آید. دولت هم البته باید کمک کند؛ دستگاه‌های دولتی در بخش‌های مختلف باید به رشد و گسترش بسیج کمک کنند. به این مسائل اقتصادی هم - همان‌طور که قبلاً گفتیم که پایه اقتصاد مقاومتی عبارت است از: تقویت تولید داخلی و کاهش وارداتی که یا غیرضروری است یا مشابه داخلی دارد - مسئولین دولتی توجه کنند و آنها از بسیج کمک بگیرند؛ با این وضعیت بنده تردید ندارم که ان‌شاءالله آینده متعلق به ملت ایران است؛ همچنان‌که بارها گفتیم.^۷

تشکل‌های بسیج

دایره حضور بسیجیان

اما دایره بسیجیان. بسیجی کیست؟ هر کسی که در این بستر اعتقادی و انسانی [اعتقاد به مسئولیت الهی و بصیرت] که عرض کردیم، به فعالیت مشغول است، بسیجی است. البته نیروی مقاومت بسیج، نماد این نهضت عظیم عمومی فراگیر ملی است؛ نماد نظم و انضباط و جهت‌گیری درست و تعلیم و تربیت است. بسیجی، نام بسیجی و عنوان بسیجی، فراگیر است؛ نیروی مقاومت بسیج، آن قلعه اصلی، جایگاه و مرکز و قرارگاه اصلی این چتر عظیمی است که همه ملت را در بر می‌گیرد؛ الهام‌بخش نظم است، الهام‌بخش حضور است، الهام‌بخش حرکت است؛ چه در جامعه، چه در قشرهای مختلف، چه در دانشگاه، چه در مدرسه، چه در حوزه علمیه؛ در هر نقطه‌ای؛ حضور نیروی مقاومت بسیج به این معنا است. خط‌دهی، راهنمایی، انضباط، نظم، تعیین وظایف گوناگون نسبت به این مجموعه تا آنجایی که توانش و

امکانش برسد ... طبعاً امکانات امکانات محدودی است، و تا حالا به اینجا منتهی شده است که این ده‌ها میلیون الحمدلله آمده‌اند. این، دایره و حیطه حضور انسانی بسیجیان.^۷

تعامل بسیج با سپاه و وزارتخانه‌ها

ضرورت ارتباط اقشار بسیج با یکدیگر

همهٔ اقشار در این بسیج عظیم ملی الهی مردمی ما مورد توجه قرار بگیرند، که من بعضی‌ها را بالخصوص سفارش کردم که به‌نظم رسید مورد بی‌توجهی قرار گرفتند ... این جور نباشد که قشری را، مجموعه‌ای را از نظر دور بدارید. ارتباط بین این قشرها را هم تعریف کنید؛ ارتباط ایجاد کنید؛ گاهی هست که بسیج دانشجویی مثلاً از بسیج پزشکان یا بسیج مهندسين یا بسیج صنعتگران بی‌خبرند، اطلاعی از هم ندارند. نه! مطلع باشند. ممکن است به درد هم بخورند. هرکدام از بخش‌های مختلف همین بسیج قشرها می‌توانند به کار دیگری کمک کنند، به پیشرفت او کمک کنند؛ اینها را تعریف کنید، اینها را در مجموعهٔ خودتان داشته باشید.^۷

تدابیر اقتصادی و مالی

● جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی

اقتصاد مقاومتی راه حل مقابله با تحریم‌ها

یکی از افراد هیئت مذاکره‌کننده [هسته‌ای ۱+۵] چندی پیش حرف خوبی زد. گفت: اگر به توافق هم نرسیدیم، آسمان به زمین نمی‌آید، دنیا به آخر نمی‌رسد؛ خب، نشود. حرف درستی است. ما آن‌چنان که حالا آنها خیال کردند، ضرر نمی‌کنیم؛ تصوّر کردند که اگر چنانچه چنین بشود، چنان خواهد شد؛ نه! راه حل وجود دارد. راه حل، همین اقتصاد مقاومتی است که ضربه‌های دشمن را اوّل کم اثر می‌کند، کاهش می‌دهد که این مال کوتاه‌مدّت است، در میان‌مدّت و بلندمدّت به حرکت عظیم مردم اوج می‌دهد. اقتصاد مقاومتی این‌جوری است. آن‌کسانی که صاحب‌نظر در زمینه اقتصادند، بعد از آنکه ما اقتصاد مقاومتی را اعلام کردیم، قضاوتشان این بود. ما راه حل داریم، آنها راه حل ندارند.^۷

تدابیر نظارت و بازرسی

• برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

اتخاذ تصمیمات قاطع و عملی

در مبارزه با فساد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نفس اهتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را
تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست
چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما
مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط
مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و
هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد،
چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه
را همه بطور ملموس مشاهده کنند. توقع من از
آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه
بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه
ملاحظه‌ای بگیرند و اجرا کنند. موفق باشید.^۹



تدابیر برون مرزی

- جهت گیری در جهان اسلام
- جهت گیری در مصاف با استکبار
- در قبال کشورهای همسایه
- جهت گیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

فرصت حج، محشر امت اسلامی

وحدت و برادری بین مسلمانان جزء مبانی دینی ماست و در این زمینه جمهوری اسلامی با کسی تعارف ندارد. ... وحدت اسلامی به معنای عدول از عقاید مذهبی فرقه‌های مختلف اسلامی نیست، ... وحدت اسلامی که شعار اساسی

جمهوری اسلامی است، یعنی امت اسلامی با یکدیگر دشمنی نکنند و در مسائل مهم جهانی از هم حمایت کنند. ... ابتکار امام بزرگوار علیه السلام در تبدیل شعار «وحدت اسلامی» به سیاست رسمی و علنی جمهوری اسلامی، [بود]. ... شبهات و تبلیغات پرحجم و دروغین دشمن با هدف ایجاد توهمات و تصورات نادرست درباره تشیع، جمهوری اسلامی و ایران عزیز به عنوان یکی از روش‌های جداسازی جمهوری اسلامی از دنیای اسلام، [بود و] ... دیوار کشیدن میان جمهوری اسلامی با بقیه دنیای اسلام، یکی از شگردهای دشمنان اتحاد امت اسلامی است و باید از فرصت حج به عنوان «محشر امت اسلامی» برای برچیدن این دیوار ساختگی و تغییر تصورات و باورهای نادرست شکل گرفته در اثر تبلیغات دروغین دشمنان، به بهترین شکل استفاده کرد. ... همه مکلف‌اند در برچیدن این دیوار ساختگی تلاش کنند و حج نیز به عنوان محشر امت اسلامی، بهترین فرصت و موقعیت برای این تلاش است.^۲

ضرورت آسیب‌شناسی پاسخ به شبهات دشمن

مقابله با شبهات و تبلیغات القایی دشمنان
اسلام» یک ضرورت [است]. ...

ارتقای حقیقی کارآیی حج در گرو پاسخ به نیازهای فکری و معنوی حجاج است که در این بخش، باید برای افزایش کیفیت فعالیت‌های جاری نظیر برگزاری مراسم دعای کمیل، مراسم برائت از مشرکین و گردهمایی‌ها برنامه‌ریزی کرد و همچنین با نگاه تحولی و نوآورانه، نیازهای فکری مخاطبان حج در خصوص مسائل مهم امروز دنیای اسلام را پاسخ داد. ... صرف نوشتن کتاب در پاسخ به این شبهات کافی نیست، بلکه باید بررسی کرد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع و متکثر ارتباطی، ذهنیت‌های ساخته شده با تبلیغات و تهمت‌های دروغ را تغییر داد.^۲

ضرورت فعالیت همه نیروهای اسلام

برای مقابله با رژیم صهیونیستی

من قلباً متأسفم! ما [یعنی] دنیای اسلام - که باید همه نیروی خودمان را صرف کنیم برای مقابله با توطئه رژیم صهیونیستی و این حرکتی که علیه قدس شریف و مسجدالاقصی انجام دادند که همه دنیای اسلام را بایستی به حرکت در بیاورد - امروز ناچاریم به رفتاری‌هایی که استکبار در درون دنیای اسلام به وجود آورده، مشغول بشویم؛ چاره‌ای نیست. در واقع پرداختن به مسئله تکفیر، چیزی است که بر علمای دنیای اسلام و زبندگان و فرزندگان دنیای اسلام تحمیل شده است؛ این را دشمن به صورت مشکل دست‌ساز وارد دنیای اسلام کرده است و ناچاریم به آن بپردازیم، لکن مسئله اصلی، مسئله رژیم صهیونیستی است؛ مسئله اصلی، مسئله قدس است؛ مسئله اصلی، مسئله قبله اوّل مسلمین، مسجدالاقصی است؛ اینها مسائل اصلی است.^۶

دلایل وابستگی جریان تکفیر

به استکبار و صهیونیسم

جریان تکفیر و حکومت‌هایی که پشتیبان و حامی آن هستند، کاملاً در جهت نیات استکبار و صهیونیسم دارند حرکت می‌کنند؛ کار آنها در جهت هدف‌های آمریکا و دولت‌های استعماری اروپا و رژیم اشغالگر صهیونیستی است؛ شواهدی این معنا را قطعی می‌کند. جریان تکفیر، ظاهر اسلامی دارد. اما عملاً در خدمت جریان‌های استعماری و استکباری و سیاسی بزرگی است که علیه دنیای اسلام دارند کار می‌کنند. شواهد روشنی وجود دارد، از این شواهد نمی‌شود گذشت. من چند تا از این شواهد را ذکر می‌کنم:

۱- ... جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضدآمریکا، ضداستبداد، ضددست‌نشانندگان آمریکا در منطقه بود؛ حرکتی بود از سوی عموم مردم در کشورهای مختلف شمال آفریقا که علیه استکبار بود، علیه آمریکا بود. جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضداستکباری و ضدآمریکایی و

ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی! خطّ مقدّم مبارزات در این منطقه، مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خطّ مقدّم را تبدیل کرد به خیابان‌های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه، و اینها شد خطّ مقدّم مبارزه!

شما نگاه کنید به وضعیت امروز لیبی، به وضعیت سوریه، به وضعیت عراق، به وضعیت پاکستان، ببینید نیروها و شمشیرها در دست مسلمانان علیه چه کسانی دارد به کار می‌رود؟! اینها باید علیه رژیم صهیونیستی به کار می‌رفت. جریان تکفیر، جهت این مبارزه را تغییر داد و آورد داخل خانه، داخل شهرهای ما، داخل ممالک اسلامی. ... همه اینها یکی از جنایات فراموش‌نشده تاریخی جریان تکفیر است که این وضع را به وجود آورده است. تبدیل این حرکت، کاری است در خدمت آمریکا، در خدمت انگلیس، کاری است در خدمت سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و موساد و مانند اینها.

۲- ... آن کسانی که پشتیبان جریان تکفیراند، با رژیم صهیونیستی می‌سازند تا با مسلمان‌ها بجنگند. به رژیم صهیونیستی اخم هم نمی‌کنند اما نسبت به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به بهانه‌های مختلف، انواع و اقسام ضربه‌ها را می‌زنند و توطئه می‌کنند.

۳- ... این حرکت فتنه‌آلودی که جریان تکفیری در کشورهای اسلامی - در عراق و سوریه و لیبی و لبنان و بعضی از کشورهای دیگر - به وجود آورد، منجر به این شد که زیرساخت‌های ارزشمند این کشورها ویران بشود. شما ببینید چقدر جاده، چقدر پالایشگاه، چقدر معدن، چقدر فرودگاه، چقدر خیابان، چقدر شهر، چقدر خانه در این کشورها از بین رفت بر اثر این جنگ‌های داخلی، بر اثر این برادرکشی‌ها؛ چقدر زمان لازم است، چقدر پول لازم است، چقدر هزینه باید داد تا دوباره اینها به حال اول برگردد. اینها ضررها و ضربه‌هایی است که جریان تکفیر تا امروز و در این چند سال گذشته، به دنیای اسلام زده است.

۴_ ... جریان تکفیر، چهرهٔ اسلام را در دنیا مخدوش کرد، زشت کرد. همهٔ دنیا در تلویزیونها دیدند که کسی را می‌نشانند و با شمشیر گردن می‌زنند، بدون اینکه جرمی برای او معین شده باشد:

«لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ» (ممتحنه ۸ و ۹) اینها درست به عکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همهٔ دنیا پخش شد، همهٔ دنیا این را دیدند. همهٔ دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینهٔ یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. اینها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق، اسلام «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ»، این اسلام را اینها این‌جوری معرفی کردند؛ از این

جنایتی بالاتر؟! از این فتنه‌ای خبیث‌تر؟ این مال جریان تکفیر است.

۵_ ... اینها، محور مقاومت را تنها گذاشتند. غزه پنجاه روز تنها جنگید، پنجاه روز تنها مقاومت کرد. دولت‌های اسلامی به کمک غزه نرفتند، پول‌ها و دلارهای نفتی در خدمت غزه قرار نگرفتند؛ اگرچه بعضی از آنها در خدمت رژیم صهیونیستی قرار گرفتند!!

۶_ ... جریان تکفیر، شور و حماسه جوانان مسلمان را در سراسر دنیای اسلام منحرف کرد. امروز در سرتاسر دنیای اسلام، جوانان یک شور و حماسه‌ای دارند، بیداری اسلامی در اینها اثر گذاشته است، آماده هستند در خدمت هدف‌های بزرگ اسلام حرکت کنند، [اما] این جریان تکفیر، این شور و حماسه را منحرف کرد و کسانی از جوانان بی‌خبر و جاهل را کشاند به سمت سر بریدن مسلمان و قتل‌عام زن و بچه و کودک یک روستا! این جزو سیئات جریان تکفیر است.

از این قرائن و شواهد نمی‌شود به آسانی عبور کرد؛ همه اینها نشان می‌دهد که جریان تکفیر

در خدمت استکبار است، در خدمت دشمنان اسلام است، در خدمت آمریکا است، در خدمت انگلیس است، در خدمت رژیم صهیونیستی است. البته شواهد دیگری هم وجود دارد؛ به ما اطلاع دادند که هواپیماهای ترابری آمریکا، مهماتی را که این گروه موسوم به داعش احتیاج داشتند، در مراکزی که داعش در عراق مستقر بود، از آسمان پرتاب کردند و برای آنها کمک رساندند. گفتیم: لابد این کار، اشتباهی بوده؛ بعد تکرار شد؛ آن‌طور که به من اطلاع دادند پنج مرتبه این اتفاق افتاده است! پنج مرتبه اشتباه می‌کنند؟ آن‌وقت به‌ظاهر ائتلاف ضدّ داعش درست کرده‌اند! که دروغ محض است؛ این ائتلاف، دنبال اهداف خبیث دیگری است، می‌خواهند این فتنه را زنده نگه دارند؛ دو طرف را به جان هم بیندازند، جنگ خانگی بین مسلمانان را همین‌طور استمرار بدهند تا این [جنگ] بماند؛ هدف آنها این است؛ البته نخواهند توانست، این را بدانید!^۶

وظایف بزرگ و غیر قابل اغماض

چند وظیفه بزرگ [برای مقابله با جریان تکفیر و استکبار و صهیونیسم] وجود دارد که باید انجام داد. شما آقایان محترم، [شرکت کنندگان در «کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»] در جلسات این اجلاس دوازده راهکارهایی را فکر کردید، دنبال کردید، وظایفی را مشخص کردید. من دو سه کار لازم را که غیر قابل اغماض است، عرض می کنم:

۱- یکی [تشکیل] یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه علمای مذاهب اسلامی است برای ریشه کن کردن جریان تکفیری؛ این مخصوص مذهبی دون مذهبی [دیگر] نیست؛ همه مذاهب اسلامی که دلشان برای اسلام می سوزد، اسلام را قبول دارند و برای اسلام دل می سوزانند، در این وظیفه سهیم اند، شریک اند؛ باید یک حرکت علمی عظیمی انجام بگیرد. آنها با شعار دروغین «پیروی از سلف صالح» [پیروی از سنت اصیل پیغمبر ﷺ] وارد این میدان شدند؛ باید بیزاری سلف صالح را

از کاری که اینها می‌کنند و از حرکتی که اینها می‌کنند، با زبان دین، با زبان علم، با منطق صحیح، به اثبات رسانند. جوانان را نجات بدهید! ... و این به‌عهدهٔ علما است. علما با محافل روشنفکری هم ارتباط دارند، با تودهٔ مردم هم ارتباط دارند؛ باید تلاش کنند. خدای متعال در قیامت از علما سؤال خواهد کرد که چه کردید؟ باید اقدام کنند. ...

۲- کار دوّم که بسیار لازم است، روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری آمریکا و انگلیس است. باید روشنگری کرد؛ باید دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست‌های آمریکا در این میان چیست؛ نقش سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی در این احیاء جریان فتنهٔ تکفیری چیست؛ این را باید همه بدانند. همه باید بدانند که اینها دارند برای آنها کار می‌کنند؛ نقشه از آنها است، پشتیبانی از آنها است، ارائهٔ طریق از آنها است، پول هم از دست‌نشانندگان آنها [یعنی] حکومت‌های منطقه است که پولش را می‌دهند، این بیچاره‌ها را بدبخت می‌کنند و دنیای

اسلام را دچار این مشکل می‌کنند. این هم یک کار لازم دیگری است که بایستی انجام بگیرد.

۳_ کار سوّمی که حتماً باید انجام بگیرد، اهتمام به قضیه فلسطین است. نگذارید قضیه فلسطین و قدس شریف و مسئله مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آنها این را می‌خواهند. آنها می‌خواهند دنیای اسلام از قضیه فلسطین غفلت کند. ... رژیم صهیونیستی به دنبال تصرف قدس شریف است، به دنبال تصرف مسجدالاقصی است، به دنبال تضعیف هرچه بیشتر فلسطینیان است؛ این را باید توجه داشت. همه ملّت‌ها باید از دولت‌های خودشان مطالبه کنند مسئله فلسطین را؛ علمای اسلامی از دولت‌های خودشان بخواهند و مطالبه کنند پیگیری مسئله فلسطین را؛ این یکی از وظایف عمده مهم است.

... ما به توفیق الهی و به فضل الهی از محدودیت اختلاف مذهبی عبور کردیم. ما همان کمکی را که به حزب الله لبنان کردیم که شیعه است، همان کمک را به حماس کردیم و به جهاد

کردیم (سازمان جهاد اسلامی فلسطین) و باز هم خواهیم کرد. ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است، این حنفی است، این حنبلی است، این شافعی است، این زیدی است؛ ما نگاه کردیم به آن هدف اصلی و کمک کردیم و توانستیم مشّت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان شاء الله ادامه خواهیم داد. و من اعلام کردم و قطعاً این خواهد شد که کرانه باختری هم باید مثل غزه مسلح بشود و آماده دفاع باشد.^۶

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

اسلام‌هراسی

و شرکت‌های هنری معروف دنیا

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکت‌های هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از: ترساندن مردم از اسلام! چرا؟ اگر اسلام منافع جهان‌خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنش‌ها نشان داده نمی‌شد. اینکه می‌بینید گروه‌هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی می‌سازند، می‌تراشند، مسلح می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند، به جان انسان‌ها می‌اندازند و کشورها را به وسیله آنها ناامن می‌کنند، این نشان‌دهنده نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی می‌ترسند، از اسلام ناب می‌ترسند؛ اسلامی که نسل پیش از شما در میدان‌های نبرد، در میدان‌های سیاست، در میدان‌های انقلاب آن را سردست گرفت و به دنیا نشان داد. و همین‌طور که این جوان‌های عزیز اشاره کردند و نشان دادند، امروز شما وارثان آن شهدای بزرگ و آن مردان

عظیم‌القدر هستید. پیام اسلام برای انسانیت، پیام
آسایش، عزّت، سربلندی و پیام زندگی همراه با
امن و امان است؛ این را دشمنان نمی‌خواهند در دنیا
شناخته بشود و ملّت‌ها با آن آشنا بشوند.^۵

آینده مسلمانان

و ناتوانی دشمنان اسلام

هیمنه آمریکا شما را نترساند؛ دشمن ضعیف شده است. دشمن اسلام که استکبار است، امروز از همه دوران‌های گذشته این ۱۰۰ سال و ۱۵۰ سال ضعیف‌تر است. دولت‌های استعماری اروپا را می‌بینید: گرفتار مشکلات اقتصادی، گرفتار مشکلات سیاسی، گرفتار مشکلات امنیتی. انواع و اقسام مشکلات را امروز دولت‌های استعماری اروپا دارند. آمریکا بدتر از اینها؛ دچار مشکلات اخلاقی، دچار مشکلات سیاسی، دچار مشکلات شدید مالی و پولی، دچار ضعف حیثیت ابرقدرتی در همه دنیا؛ نه فقط در دنیای اسلام، [بلکه] در همه دنیا. رژیم صهیونیستی نسبت به گذشته به‌شدت ضعیف شده است. این، همان رژیم است که شعار «از نیل تا فرات» می‌داد! داد می‌کشیدند و با صراحت می‌گفتند: از نیل تا فرات، مال ماست! پنجاه روز در غزه نتوانستند تونل‌های فلسطینی‌ها را فتح کنند. این همان رژیم است.

پنجاه روز همه نیرویشان را به کار گرفتند که بتوانند تونل‌های زیرزمینی حماس و جهاد و فلسطینی‌ها را تخریب کنند، نابود کنند، تصرف کنند؛ نتوانستند؛ این، همان رژیم است که می‌گفت: از نیل تا فرات مال ماست؛ ببینید چقدر فرق کرده است؛ چقدر ضعیف شده است!

مشکلات دشمنان اسلام زیاد است. دشمنان اسلام در عراق ناکام شدند؛ در سوریه ناکام شدند؛ در لبنان ناکام شدند؛ در مناطق گوناگون ناکام ماندند و هدف‌هایشان تحقق پیدا نکرد. در مقابله با جمهوری اسلامی، شما می‌بینید آمریکا و کشورهای استعمارگر اروپایی دور هم جمع شدند و از همه نیرویشان استفاده کردند که در قضیه هسته‌ای، جمهوری اسلامی را به زانو دریاورند؛ نتوانستند به زانو دریاورند و نخواهند توانست. این ضعف طرف مقابل است. و شما ان شاء الله روزبه‌روز قوی‌تر خواهید شد. آینده متعلق به شماست؛ «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ». (یوسف ۲۱).^۶

بی‌اعتمادی مردم آمریکا نسبت به دولتشان

ما با ملت‌مان راحت حرف می‌زنیم، آنها [آمریکا] این‌جور نیستند، ملتشان آنها را قبول ندارد. محبوبیت رئیس‌جمهورشان روز به روز کم شده است؛ این آمارهایی است که خودشان می‌دهند؛ آن روزی که این رئیس‌جمهور انتخاب شد، محبوبیتش بالا بود؛ تا امروز، روز به روز این محبوبیت کاهش پیدا کرده است، [چون] مردم به نظام سیاسی‌شان بی‌اعتقادند.

در همین انتخابات اخیرِ آمریکا عده‌ی شرکت‌کنندگان بسیار پایین بود، که خودشان هم این را به زبان آوردند و گفتند؛ یعنی این تشکیلات و این نظام را مردم خودشان قبول ندارند، امیدی به آن ندارند. این را مقایسه کنید با حضورِ ۶۵ درصدی و ۷۰ درصدی ملت ما در پای صندوق‌های انتخابات. الآن اینها با آحاد ملت خودشان مسئله دارند؛ همین خبرهای فرگوسن و ایالت میسوری و مانند اینها را که شنیده‌اید، با مردم خودشان دارند می‌جنگند! گزارش‌های

خودشان می‌گویند که پلیس آمریکا در یک سال
بیش از چهارصد نفر از شهروندان را به بهانه‌های
مختلف به قتل رسانده؛ پلیس، نه دستگاه قضایی!
اینها با ملت خودشان هم میانه خوبی ندارند،
ملتشان هم اینها را قبول ندارند، آنها مشکل دارند،
آنها احتیاج دارند به یک موفقیت، به یک پیروزی
بزرگ. ما نه، ما احتیاجی نداریم.^۷

مبارزه با دولت مستکبر، نه ملت آن

امتحان همیشه هست، برای همه هست؛ حرکت نباید سست بشود؛ جهت حرکت اشتباه نباید بشود؛ جهت حرکت به سمت استکبار است، مقابله با استکبار است. ما هم که اسم آمریکا را بارها می‌آوریم؛ ملت ما، خود ما؛ [چون] مسئله آمریکا به‌خاطر استکبار است، چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است؛ ما با آمریکا به‌عنوان یک مجموعه جغرافیایی یا به‌عنوان یک ملت، به‌عنوان یک مجموعه انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیه کشورها؛ مسئله ما با آمریکا، مسئله استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زورگویند، زیاده‌طلبند؛ همین حرف‌هایی که این چند روز سر همین مذاکرات هسته‌ای زدند، شما ببینید؛ چند ماه مذاکره کردند و حالا تمديد کردند، [بعد] شروع کردند مثل همیشه حرف زدن.^۷

در قبال کشورهای همسایه

تجلیل از اقدام آقای نوری مالکی

جناب عالی [آقای نوری مالکی] در دوران تصدی نخست‌وزیری عراق، خدمات بزرگی در جهت حفظ ثبات و استقلال و پیشرفت عراق انجام داده‌اید ... و در جریان انتقال قدرت در عراق، کار بزرگی را برای جلوگیری از آشفتگی و بی‌ثباتی عراق انجام دادید و این کار هیچگاه در ساحه عراق فراموش نخواهد شد. ... رویه شما برای کمک به دولت جدید آقای حیدر عبادی و تلاش برای ایجاد وحدت میان نیروهای مختلف عراق، اقدام بسیار خوبی است که باید ادامه یابد.^۴

جهت‌گیری تحولی در جهان

جاذبه‌ ندای آزادی‌بخش اسلام در جهان

امروز دنیای اسلام بلکه دنیای بشریت به پیام اسلامی شما و ملت ایران نیازمند است. امروز دنیا درگیر حوادث ناشی از خودخواهی‌ها و افزون‌طلبی‌ها است. امروز دنیا با ابزارهای جدید و مخرب و مهلک در اختیار بسیاری از کسانی است که جز هوس‌های شخصی و گروهی خود چیزی نمی‌فهمند، فضیلت‌ها را درک نمی‌کنند، از انسانیت بویی نبرده‌اند. در یک چنین دنیایی وقتی ندای آزادی‌بخش اسلام بلند می‌شود، وقتی اسلام پرچم برمی‌افرازد، جاذبه آن، دنیا را متوجه به خود می‌کند و امروز [چنین] کرده است. البته دشمنان عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ برای اینکه اسلام را بدنام بکنند، از هنر، از نظامیگری، از سیاست، از همه ابزارهای ممکن استفاده می‌کنند.^۵

سایر تدابیر



• انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صدا و سیما

• پیام تسلیت در پی درگذشت حجت الاسلام و المسلمین غیوری

**انتصاب آقای محمد سرافراز
به ریاست سازمان صدا و سیما**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب آقای محمد سرافراز دام توفیقه
با پایان یافتن دوره مسئولیت جناب آقای
مهندس سیدعزت‌الله ضرغامی که با تلاش و
کوششی خستگی‌ناپذیر و دلسوزانه و مبتکرانه
همراه بود، جناب‌عالی را با توجه به صلاحیت‌هایی
که بحمدالله از آن برخوردارید و با آگاهی از تجربه
طولانی مدیریتی‌تان در رسانه ملی و آشنایی‌های
گسترده‌تان با این مجموعه بزرگ و مهم برای یک
دوره پنج ساله به ریاست سازمان صدا و سیما
جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم.

سازمان صدا و سیما با مأموریت خطیر «هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه» به مثابه دانشگاه عمومی، با تکیه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای پیشرفته و عمیق رسانه‌ای، وظیفه گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد. مسئولیت تاریخی رسانه ملی در مقطع کنونی، حفظ و ارتقای استقلال فرهنگی و هویت انقلاب ایران اسلامی است. «عزم ملی و ابتهاج معنوی و نشاط انقلابی» آحاد جامعه در مسیر اهداف بلند نظام اسلامی، در گرو آگاهی و معرفت عمیق و گسترده عمومی و نیازمند پیوند با سرچشمه‌های تولید فکر ناب دینی و خیل دلبستگان فرهیخته و پرانگیزه انقلاب اسلامی است. سازمان صدا و سیما همچنین به‌عنوان موتور محرک و مشوق پیشرفت کشور، وظیفه پشتیبانی رسانه‌ای همه جانبه و مبتکرانه در امر بسیج عمومی ملت و نیز کمک به مدیریت‌های اجرایی در جهت تأمین اهداف و اجرای سیاست‌های کلان

نظام و تحقق سند چشم‌انداز کشور را بر دوش دارد. اهمّ راهبردهایی که ان‌شاءالله خواهد توانست رسانه ملّی را در اجرای این مسئولیت بزرگ یاری رساند، به پیوست ابلاغ می‌شود.

در پایان لازم می‌دانم از جناب آقای مهندس ضرغامی و همکاران ایشان که توانستند رسانه ملّی را در دورهٔ مسئولیت خود به پیشرفتی چشمگیر برسانند که بتواند در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقشی مؤثر ایفاء کند، صمیمانه تشکر کنم.

از درگاه خداوند منان توفیق جناب‌عالی را که مفتخر به انتساب به خانوادهٔ شهیدان معزّز انقلاب اسلامی می‌باشید در انجام این مأموریت خطیر و حساس با تکیه بر عنایات الهی خواستارم و برای شما و همکاران محترمتان دعا می‌کنم.^۳

سید علی خامنه‌ای

۱۵ آبان ۱۳۹۳

پیام تسلیت در پی درگذشت حجت الاسلام و المسلمین غیوری

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم پرهیزگار و خدمتگزار مرحوم
حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی
غیوری رحمته الله را به خاندان و بازماندگان مکرم ایشان
و به ارادتمندان و علاقمندان این روحانی خدوم و
مردمی و انقلابی و به روحانیت معظم تهران
تسلیت عرض می‌کنم. عمر با برکت این عالم
روحانی یکسره به خدمت و تلاش برای مردم
به‌ویژه ضعفاء و نیازمندان و درماندگان سپری شد.
وفاداری به انقلاب و نظام اسلامی و کوشش
بی‌دریغ در خدمت به آن نیز دیگر ویژگی بارز این
سید بزرگوار بود و در این راه فرزند برومند خود

را هم تقدیم دفاع مقدس کرد. در مسئولیت‌های
گوناگون، با همه وجود به اسلام و انقلاب و کشور
خدمت کرد و زندگی را با نیکنامی به سر آورد،
«عاش سعیداً و مات سعیداً».

از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو
درجات را برای ایشان مسألت می‌کنم.^{۱۱}

سید علی خامنه‌ای

۲۹ / آذرماه / ۱۳۹۳

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۳/۰۸/۰۴ (۱۳۹۲/۱۰/۱۷) (گزارش خبری) بیانات در دیدار خانواده و جمعی از اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم حبیب‌الله عسکراولادی
۲. ۹۳/۰۸/۰۶ (گزارش خبری) بیانات در دیدار دست‌اندرکاران حج ۹۳
۳. ۹۳/۰۸/۱۵ انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صدا و سیما
۴. ۹۳/۰۸/۱۹ (گزارش خبری) بیانات در دیدار معاون رئیس‌جمهور عراق
۵. ۹۳/۰۸/۲۶ بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام ارتش جمهوری اسلامی ایران
۶. ۹۳/۰۹/۰۴ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»
۷. ۹۳/۰۹/۰۶ بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین به مناسبت هفته بسیج
۸. ۹۳/۰۹/۰۹ (گزارش خبری) بیانات در دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش با فرمانده کل قوا
۹. ۹۳/۰۹/۱۷ مرقومه رهبری برای همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد
۱۰. ۹۳/۰۹/۲۲ (۱۳۹۳/۰۲/۲۸) تقریظ بر کتاب «پنجره‌های تشنه»
۱۱. ۹۳/۰۹/۲۹ پیام تسلیت در پی درگذشت حجت‌الاسلام و المسلمین غیوری